

## تحلیل و واکاوی بینامتنیت ضمنی در تأثیرپذیری خسرو و شیرین نظامی از ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی

نوشین بهرامی احمدی<sup>۱</sup>، هوشمند اسفندیارپور<sup>۱\*</sup>، مریم شایگان<sup>۲</sup>

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بردسیر، دانشگاه آزاد اسلامی، بردسیر، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

سال هفدهم، شماره هشتم، آبان ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۱۰۲، صص ۲۳-۱

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.6991>

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی  
(بهار ادب سابق)

### چکیده:

**زمینه و هدف:** بر اساس نظریه بینامتنیت یک متن در تعامل پیچیده‌ای میان متون دیگر شکل میگیرد. نظریه بینامتنیت بصورت رسمی نخستین بار توسط ژولیا کریستوا مطرح شد و پس از آن با ژرار ژنت وارد حیطه ساختارگرایی شد. ژنت اعلام نمود که متن، معنای خود را از طریق رابطه با دیگر متون آشکار میسازد. منظومه غنایی خسرو و شیرین یکی از جمله متونی است که با اتکا به آن میتوان بسیاری از دالهای معنایی را در تعامل بینامتنی ضمنی در منظومه ویس و رامین یافت. از این رو هدف اصلی این جستار تحلیل روابط بینامتنی پنهان و ضمنی در متن حاضر (خسرو شیرین) نظامی و متن پسین (ویس و رامین) فخرالدین اسعد گرگانی است.

**روش پژوهش:** روش پژوهش در این جستار، توصیفی - تحلیلی بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و سندکاوی و بهره‌گیری از رویکرد بینامتنی پنهان (ضمنی) در نظریه ژرار ژنت میباشد. جامعه آماری پژوهش شامل دو منظومه غنایی خسرو و شیرین نظامی و ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی است.

**یافته‌های پژوهش:** یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که خسرو و شیرین نظامی نمونه‌ای از بینامتنیت ضمنی و پنهان از ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی است و نظامی معانی ضمنی و تلویحی متفاوت و مختلفی را از این منظومه اقتباس نموده است.

**نتایج پژوهش:** نتایج پژوهش حاضر نشان میدهد که خسرو و شیرین نظامی در ساختار داستان شامل مؤلفه‌ها و گزاره‌های آغازین چون تحمیدیه و تئیه اصلی از جمله یکسانی نقش هرمز و موبد، جایگاه اجتماعی شیرین و ویس، نامه‌نگاری، خوابهای دروغین، شخصیت‌های رقیب مانند مریم، شکر، گل، آزمودن خسرو و رامین، نقش منفی دایه، نقش فعال و کنشگری زنان بصورت نموده‌های بینامتنی ضمنی بر اساس نظریه ژنت از ویس و رامین تأثیر پذیرفته است.

تاریخ دریافت: ۱۰ آذر ۱۴۰۲

تاریخ داوری: ۱۱ دی ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح: ۲۶ دی ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۲ اسفند ۱۴۰۲

### کلمات کلیدی:

خسرو و شیرین نظامی، ویس و رامین، بینامتنیت ضمنی، ژنت، تأثیرپذیری.

\* نویسنده مسئول:

[esfandiarpour@bardsiriau.ac.ir](mailto:esfandiarpour@bardsiriau.ac.ir)

۰۰۹۸۳۴)۳۳۵۲۱۹۰۰



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Analysis and analysis of implicit intertextuality in the influence of Khosrow and Shirin Nezami by Weiss and Ramin Fakhruddin Asad Gorgani

N. Bahrami Ahmadi, H. Esfandiarpour\*, M. Shaygan

1- Department of Persian Language and Literature, Bardsir Branch, Islamic Azad University, Bardsir, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 01 December 2023

Reviewed: 01 January 2024

Revised: 16 January 2024

Accepted: 02 March 2024

KEYWORDS

Khosrow and Shirin Nizami, Weiss and Ramin, implicit intertextuality, Genette, impressionability.

\*Corresponding Author

✉ [esfandiarpour@bardsiriau.ac.ir](mailto:esfandiarpour@bardsiriau.ac.ir)

☎ (+98 34) 33521900

ABSTRACT




**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** Based on the theory of intertextuality, a text is formed in a complex interaction between other texts. The theory of intertextuality was first formally proposed by Julia Kristeva and then entered the field of structuralism with Gerard Genette. Genette declared that the text reveals its meaning through the relationship with other texts. The lyric poem of Khosrow and Shirin is one of the texts that rely on it to find many semantic signs in the implicit intertextual interaction in the poem of Weiss and Ramin. Therefore, the main goal of this research is to analyze the hidden and implicit intertextual relationships in the present text (Khosro Shirin) Nizami and the later text (Vais and Ramin) of Fakhruddin Asad Gorgani.

**METHODOLOGY:** The research method in this thesis is descriptive-analytical based on library studies and document analysis and using the hidden (implicit) intertextual approach in Gerard Genette 's theory. The statistical community of the research includes two lyrical poems by Khosrow and Shirin Nezami and Weiss and Ramin Fakhruddin Asad Gorgani.

**FINDINGS:** Research findings indicate that Khosrow and Shirin Nezami is an example of implicit and hidden intertextuality of Weiss and Ramin Fakhruddin Asad Gorgani, and Nezami has adapted different implicit and implied meanings from this poem.

**CONCLUSION:** The results of the present research show that Khosrow and Shirin Nezami in the structure of the story includes initial components and propositions such as Tahmidiyeh and the main body, including the same role of Hormuz and Mobad, the social position of Shirin and Weiss, letter writing, false dreams, rival characters such as Maryam, Shekar. , Gol, testing Khosrow and Ramin, the negative role of the nanny, the active role and activism of women as implicit intertextual expressions based on Genette 's theory have been influenced by Weiss and Ramin.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.6991>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 20	 0	 1

## مقدمه

ارتباط و تعامل متون با یکدیگر یکی از جمله مسائلی است که در دهه‌های اخیر بویژه مورد توجه ساختارگرایان قرار گرفته است. نظریه بینامتنیت<sup>۱</sup> یکی از روشها و رویکردهای جدید در خوانش و حیطة نقد متون است که ریشه در آراء زبان‌شناس و نشانه‌شناس مشهور سوئیسی «فردینان دو سوسور»<sup>۲</sup> (۱۹۱۳ - ۱۸۵۷ م) دارد و پس از آن توسط ژولیا کریستوا (۱۹۴۱) و ژرار ژنت<sup>۳</sup> (۲۰۱۸-۱۹۳۰) تکمیل گردید. بر اساس نظریه<sup>۴</sup> بینامتنی، هیچ متنی را نمیتوان خودبسنده بحساب آورد و متون همواره با یکدیگر در ارتباط و تعامل هستند و این تعامل نوعی رابطه بینامتنیت را ایجاد میکنند. در حوزه مطالعات بینامتنی، نظریات گوناگونی ارائه شده است که حاصل و خلاصه همه آنها این است که «هر متن، یک بینامتن است که مراکز بشمارای از فرهنگ را شامل میشود و مؤلف، تنها بذکر مباحثی میپردازد که قبل از وی بشکلی دیگر مطرح شده [است] و هنر خالق اثر، در بازآفرینی مباحث، بشیوه نوین است» (آلن، ۱۳۸۵: ص ۵۸). در جستار پیش رو در نظر داریم با توجه به مؤلفه‌ها و گزاره‌های بینامتنیت ژرار ژنت و با روکرد ویژه به بینامتنیت ضمنی به بررسی تأثیرپذیری خسرو و شیرین نظامی از منظومه از ویس و رامین نظامی بپردازیم؛ لذا مسأله اصلی در این مقاله پاسخ به این سؤال است که نظامی چه میزان از ویس و رامین بهره برده است و کدامیک از انواع بینامتنیت در مثنویهای نظامی بیشتر مطرح شده است؟ مقاله حاضر بر این فرض اساسی استوار است که خسرو و شیرین نظامی ارتباط بینامتنی از نوع ضمنی با ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی دارد و از آنجا که محتوای خسرو و شیرین بر مدار عشق میچرخد، تعهد نظامی از توجه دادن به بنمایه‌های عاشقانه و شباهت ظاهری داستان در بسیاری از موارد با ویس و رامین فخرالدین اسعد، کاملاً مشهود است. این مقاله میکوشد چگونگی اشتراکات خسرو و شیرین با ویس و رامین را مورد تحلیل و واکاوی قرار دهد.

## نوآوری و هدف پژوهش

این پژوهش بر آن است تا ضمن معرفی اجمالی و همه‌جانبه‌ای از نظریه بینامتنیت بعنوان چهارچوب اصلی تحقیق، به بررسی اشتراکات مفهومی در منظومه ویس و رامین با خسرو و شیرین نظامی بپردازد و از آنجایی که تاکنون در خصوص این موضوع، پژوهش علمی مستقلی که تمام جوانب بحث و چارچوب آن را مشخص و روشن سازد، صورت نگرفته است، جستار پیش رو بر این مهم همت گمارده است. هدف اصلی این مطالعه، واکاوی، بررسی و تحلیل پیوند بینامتنی در منظومه خسرو و شیرین نظامی، از ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی میباشد. با توجه به اهمیتی که منظومه غنایی ویس و رامین در بازتاب رابطه عاشق و معشوق، توصیف صحنه‌های غنایی و تحلیل رفتارهای عاشقانه در ادب فارسی دارد و از آنجا که بنظر میرسد، شناخت دقیق تأثیرات منظومه ویس و رامین بر عاشقانه‌های نظامی در منظومه یاد شده و تحلیل بینامتنیت آنها سبب درک درست و بهتری از اشتراکات منظومه خسرو و شیرین نظامی از ویس و رامین میگردد، پرداختن به این موضوع هدف اصلی پژوهش میباشد.

## اهمیت و ضرورت پژوهش

۱. Intertextuality

۲. F. De saussure

۳. J. Kristeve

۴. G. Genette

گسست مطالعاتی در خصوص مباحث نقد ادبی در حوزه مطالعات ادبیات غنایی بویژه منظومه عاشقانه ویس و رامین و اثر برجسته نظامی یعنی خسرو و شیرین سبب شده است تا پژوهشی بر مبنای مطالعات بینامتنیت بعنوان متن پیش‌رو، انجام شود و انتظار می‌رود که در انتها، میزان تأثیرپذیری نظامی در ساخت و پرداخت داستان خسرو و شیرین با تأثیرپذیری از ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی مشخص و تبیین گردد.

### روش پژوهش

در این جستار گردآوری داده‌ها و اطلاعات بشیوه کتابخانه‌ای و تحلیل داده‌ها به روش کیفی و سندکاوی خواهد بود. ابتدا مروری بر منظومه ویس و رامین و خسرو و شیرین خواهیم داشت، سپس اشتراک این منظومه نظامی با ویس و رامین استخراج و طبقه‌بندی می‌گردد و وجوه مختلف آنها از جنبه بینامتنیت ضمنی تحلیل خواهد شد. لازم بذکر است روش کار نگارندگان در این جستار بر مبنای شیوه‌های متداول در نظریه بینامتنیت و بهره‌گیری از آراء و ژنت می‌باشد.

### پیشینه پژوهش

پیشینه مطالعات بینامتنی را میتوان به دانش زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی و تلاش‌های سوسور و چارلز سندرس پیرس<sup>۱</sup> مدیون دانست. نشانه‌شناس سوئیسی-سوسور- که پایه‌گذار زبان‌شناسی نوین بحساب می‌آید، اولین تلاشها را در زمینه مطالعات بینامتنی به انجام رساند. پس از او میخائیل باختین گرچه از واژه بینامتنیت استفاده نکرد اما با طرح نظریه متنهای تک صدایی و چند صدایی و موضوع گفتگومندی، در شکل‌گیری مباحث بینامتنی نقش مهمی را ایفا نمود و پس از وی، ژولیا کریستوا با انتشار نخستین کتاب خود در سال (۱۹۶۶ م) به ارائه رسمی نظریه بینامتنیت پرداخت. رهیافتهای بینامتنی در میان پژوهشگران ایرانی نیز مورد توجه قرار گرفته است. نامور مطلق (۱۳۹۰) در کتابی با عنوان «بینامتنیت: نظریه‌ها و کاربردها» مبانی بینامتنیت را بصورت تحلیلی مورد بررسی قرار داده است. نیز در کتاب «درآمدی بر بینامتنیت: نظریه‌ها و کاربردها» (۱۳۹۴). به چگونگی شکل‌گیری معنا، فرایند معناپردازی در یک متن و نظریه‌ها و کاربردهای بینامتنی پرداخته است.

آذر (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر نظریه‌های بینامتنیت ژنتی» با مروری بر مبانی نظری و روش‌شناختی بینامتنیت به جریانها و شخصیت‌های مؤثر در پیدایی این نظریه پرداخته و انواع بینامتنیت را مورد بررسی قرار داده است. غیاثوند (۱۳۹۲) در مقاله «سیمای تأویل در آیین بینامتنیت کریستوایی» به تحلیل بینامتنیت، تأویل، معنایابی، متن‌زایی و متن‌ظاهری پرداخته است. نیز نامورمطلق (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «ترامتنیت مطالعه روابط یک متن با دیگر متنها» ضمن پرداختن به ماهیت بینامتنی، انواع ترامتنیت و فرامتنیت را تحلیل و بررسی کرده است.

در خصوص ویس و رامین و خسرو و شیرین نظامی نیز پژوهشهایی انجام شده است: افتخاری روزبهانی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل تطبیقی شرم در دو منظومه ویس و رامین و خسرو شیرین» نتیجه گرفته‌اند که نوع شرم در این دو منظومه متفاوت است و شخصیتها ضمن داشتن رفتار مشترک، در عملکرد شرم آگین خود بصورت متفاوتی عمل میکنند. رویکرد مقاله یاد شده با جستار پیش رو متفاوت است چرا که در این پژوهش اشتراکات گوناگون محتوایی در دو منظومه لیلی و مجنون و خسرو و شیرین با ویس و رامین مورد توجه قرار میگیرد

۱. C. S. peirce

در حالی که در مقاله افتخاری روزبهانی و همکاران، تنها تأکید بر مسأله شرم و حیا در دو منظومه خسرو و شیرین و ویس و رامین است. مرادخانی و رحیمی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه ساختار داستانی دو منظومه خسرو و شیرین و ویس و رامین از نظر عنصر پیرنگ» نتیجه گرفته‌اند که داستانهای فرعی در خسرو و شیرین نظامی بلحاظ پیوستگی و انسجام روایی، از استحکام و ارتباط طولی بهتری نسبت به ویس و رامین برخوردار است. دامچی (۱۳۷۶) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی با عنوان «بررسی و مقایسه خسرو و شیرین با ویس و رامین» پس از پرداختن به زندگینامه هر دو شاعر و سبک فکری آنها، بتحلیل خصائص فنی و هنری داستان در قالب گفتگو، صحنه‌آرایی، شخصیتها و کیفیت تصاویر پرداخته است. رویکرد پایان‌نامه یاد شده بیشتر حول محور آرایه‌های ادبی همچون تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز و موارد مشابهی از ساختار زیبایی‌شناسی سخن در هر دو اثر استوار است و از این رو پژوهش یاد شده با جستار حاضر در روش‌شناسی و نحوه تحلیل مطالب و نمونه‌ها کاملاً متفاوت است.

### بحث و بررسی

**نظریه بینامتنیت:** ژولیا کریستوا<sup>۱</sup> با مطرح ساختن اصطلاح بینامتنیت در مقاله‌هایی با عناوین «کلمه، دیالوگ و رمان» و همچنین «متن دربند» برای نخستین بار و بصورت رسمی این نظریه را مطرح نمود. بینامتنیتی که ژولیا کریستوا مطرح نمود، بصورت کاملاً مستقیمی از نظریه «گفتگومندی» میخائیل باختین<sup>۲</sup> تأثیر پذیرفته بود. بر اساس نظریه باختین «همواره تعاملی پیوسته در بین متون وجود دارد و هر متنی ردپای دیگر متنها را در خود داشته و در حقیقت، مکانی برای تبادل آرا و یا وام‌گیری از دیگر نوشته‌ها میشود» (سلیمی و قاسمی، ۱۳۹۸: ص ۴۱۴). از این رو میتوان گفت: «از دیدگاه باختین، زندگی سراسر یک مکالمه است و زنده بودن بمعنای شرکت در مکالمه است. هر اثر ادبی نیز در گرو مکالمه با آثار دیگر معنا می‌یابد. باختین بر این باور بود که هیچ اثری به تنهایی وجود ندارد. هر اثری از آثار پیشین مایه گرفته و خود را مخاطب یک بستر اجتماعی کرده و در پی دریافت پاسخی فعالانه از سوی آنان است. بنا بر مکالمه باوری باختین هر سخن با سخنهای پیشین که موضوع مشترکی داشته باشند و با سخنهای آینده که به یک معنا پیشگویی و واکنش به آنهاست، گفتگو میکند» (حسن‌زاده نیری و خیراندیش، ۱۴۰۰: ص ۱۱۷؛ احمدی، ۱۳۸۶: ص ۲۲۵). ژولیا کریستوا بخلاف باختین که بینامتنیت را خاص نثر میدانست، آن را به شعر نیز تسری داد، پس از او ژنت<sup>۳</sup> بینامتنیت را در ذیل سه دسته عمده تقسیم و طبقه‌بندی نمود. بینامتنیت صریح که در آن «مؤلف متن دوم در نظر ندارد مرجع متن خود [متن اول] را پنهان کند بهمین دلیل بنوعی میتوان حضور متن دیگری را در آن مشاهده کرد. از این منظور، نقل قول گونه‌ای بینامتنی محسوب میشود. بینامتنیت پنهان، بیانگر نوعی سرقت ادبی است و در آن هنرمند پیوند میان متن خود با متن پیشین را بعمد پنهان میکند. در بینامتنیت ضمنی، مؤلف متن دوم قصد پنهان‌کاری بینامتن خود را ندارد و بهمین دلیل نشانه‌هایی را بکار میبرد که با این نشانه‌ها میتوان بینامتن را تشخیص داد و حتی مرجع آن را نیز شناخت. بنابراین بینامتنیت ضمنی نه همانند بینامتنیت صریح، مرجع خود را اعلام میکند و نه همانند بینامتنیت غیر صریح، سعی در پنهان‌کاری دارد» (Genette, 1997).

<sup>۱</sup> J. Kristeva

<sup>۲</sup> M. Bakhtin

<sup>۳</sup> G. Genette

بر اساس نظریه بینامتنیت، متن حاضر، برآیند متن غایب است؛ به آن معنا که متون ادبی تا حدود بسیاری حاصل تأثر درمانی و الهام از متون کهن و قبل از خود هستند بدیگر سخن متون با یکدیگر تعامل دارند (ر.ک کریستوا، ۱۳۸۱: ص ۱۵). بر اساس نظریه بینامتنیت ارتباط متون، موجب خلق متن جدید میشود و هر متن قابلیت آن را دارد که بر متون پس از خود تأثیر بگذارد. حیطه بینامتنی دامنه وسیع و گسترده‌ای دارد. «دامنه بینامتنیت از متون ادبی گرفته تا متون تبلیغاتی روزنامه‌ها و متون چند رسانه‌ای دیداری و شنیداری را در بر می‌گیرد و حاصل هم‌نشینی رمزگان بسیاری است. ما نه با پیام، بلکه با متن سر و کار داریم. متن صرفاً کلامی یا نوشتاری نیست. نوشتار و گفتار میتواند یکی از این لایه‌ها باشد» (صفوی، ۱۳۷۶: ۲ / ص ۱۲۷۶). ژرار ژنت معتقد است: «هر چیزی که پنهانی یا آشکارا یک متن را در ارتباط با دیگر متن‌ها قرار میدهد [رویکردی بینامتنی را سبب میشود]» (نامورمطلق، ۱۳۸۶: ص ۸۵). ژولیو کریستوا، بینامتنیت را رویکردی حاصل از «سرشت مکالمه‌ای زبان» توصیف نمود. بعقیده وی، متن ادبی دیگر نه یک بافت منحصر به فرد و منفرد بلکه حاصل مجموعه‌ای از سخنان، متن‌ها و بافتار از پیش موجود قبلی، انگاشته میشود. از این نظر هر کلام و سخنی در یک متن ادبی، ماهیتی بینامتنی دارد و باید آن را نه تنها برحسب معنایی که از متن گمان میشود بلکه باید برحسب معنایی که فراتر از متن در سایر گفتمانهای فرهنگی موجود است، تحلیل نمود (همان). از این دیدگاه «بینامتنیت هر متن برگرفته از ساختهای عینی یا ذهنی متون دیگر است و متون برداشتی غیر مستقیم یا مستقیم از فرهنگ، ادبیات و آثار پیشینیان است. پس هنرمندان کمابیش تحت تأثیر آثار یکدیگرند و هر متن را یک بینامتن توصیف میکند و متون حال و گذشته با هم گفتگو و تعامل دارند» (احمدی، ۱۳۸۰: ص ۳۲۷). بر اساس رویکرد بینامتنی، هر متن را میتوان حلقه‌ای از زنجیره‌های بهم پیوسته و بینامتنی بحساب آورد که عناصر قابل توجه مفهومی یا ساختاری از متون دیگر را در خویش جای داده است (ر.ک نامورمطلق، ۱۳۹۰: ص ۶۸). چندلر معتقد است هر اثر ادبی اعم از شعر یا داستان دارای دو ساحت و محور اصلی است؛ یکی محور افقی و دیگری محور عمودی، محور افقی در واقع ارتباط و پیوندی است که میان خواننده یک اثر و نویسنده آن برقرار است و محور عمودی، متن را به متون دیگر مرتبط میکند و تا اندازه‌ای فهم و ادراک آن منوط به اطلاعات گذشته است (۱۳۸۷: ص ۲۸۴).

### انواع بینامتنیت

**بینامتنیت آشکار (صریح):** در این گونه از رابطه بینامتنی، هنرمند (نویسنده یا شاعر) متأخر تمام یا بخشی از متن هنرمند گذشته و ماقبل یا معاصر خویش را در متن خود بصورت آشکاری می‌گنجاند. در این پیوند، مؤلف متن متأخر یا پسین، باید بصورت واضح اعلام کند که دارد این نمونه از متن را از هنرمند دیگر وام می‌گیرد؛ این نوع از بینامتنیت همان شیوه‌ای است که در مطالعات و پژوهشهای علمی بصورت نقل قول و یا در شعر در قالب تضمین - با ذکر نام شاعر پیشین مشاهده میشود (ر.ک کزازی و خسروی اقبال، ۱۳۹۶: ص ۹۸). «بینامتنیت صریح و اعلام شده، یعنی حضور آشکار یک متن در متن دیگر» (نامورمطلق، ۱۳۸۹: ص ۱۳۶).

**بینامتنیت پنهان:** در این گونه از پیوند بینامتنی، هنرمند پیوند میان اثر خویش با متن قبل را بعمد پنهان میکند. در این نوع از بینامتنیت که میتوان گفت رایجترین نوع آن نیز میباشد، در متن متأخر، بخشهایی از متن پیشین را مورد استفاده قرار میدهد بدون آنکه حدود تقلید و اقتباس معلوم و مشخص باشد و بدون آنکه به نام مؤلف اشاره‌ای شده باشد.

**بینامتنیت ضمنی:** «گاه مؤلف متن دوم، قصد پنهانکاری بینامتن خود را ندارد و نشانه‌هایی بکار میبرد که میتوان با آن بینامتن و حتی مرجع آن را شناخت؛ اما این عمل هیچگاه بصورت صریح انجام نمیگیرد و بدلالی و بیشتر دلایل ادبی و اشارات ضمنی بسنده میشود. بهمین دلیل، در این نوع بینامتنیت عده خاصی یعنی مخاطبان خاصی که به متن اول آگاهی دارند، متوجه بینامتن میشوند، مهمترین این نوع اقتباس از موتیوها و درونمایه‌ها، کنایات، اشارات، تلمیحات و... است» (مونسان و صفایی، ۱۴۰۰: ص ۷۷). از این رو بازآفرینی بخشی از پشتوانه فرهنگی به تناسب محتوا و موضوع در یک اثر با الهام از اثر پیشین یا معاصر، بینامتنیت ضمنی است. «تمام خلاقیت تاریخ بشر، سرشار از متن پنهانی است. تمام آثار بزرگان ما در هر صفحه و سطر مصداق متن پنهان است و شاید ادبیات هیچ ملتی از این منظر غنای ادبیات ما را نداشته باشد. در غرب ظاهراً این گونه مشابَهت‌ها را عیب میدانستند و میدانند؛ ولی در عرف فرهنگ ما، حضور متن پنهان و ضمنی برای یک شاهکار، هیچ عیب شمرده نمیشود. اثری که نوعی متن پنهان و ضمنی نداشته باشد، پیش از خداوند خود خواهد مرد و بدشواری میتوان عنوان اثر هنری بر آن اطلاق کرد... الیوت گفته است: شاعر خام تقلید میکند و شاعر پخته میرباید. این ربودن در میان بزرگان ما امری زشت تلقی نمیشده است. بخشی که شمس قیس رازی در باب سرقات کرده است، میگوید اگر شاعر دوم صورت بهتری بحرف شاعر پیشین بدهد، حرف متعلق به او خواهد شد و برای شاعر قبلی تنها فضل تقدیمی باقی میماند و راست است، اگر این حقیقت نمی‌بود، تکامل ادبی بهیچ وجه شکل نمیگرفت» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۶: صص ۲۰۰ - ۲۰۴). در متون کلاسیک از جمله اشعار پیشینیان و گذشتگان، بینامتنیت ضمنی از بنمایه‌ها و مضامین مشترک دیگر هنرمندان بی‌آنکه سرقت ادبی و یا تواردی بحساب آید، بهره میبرند: «بر اساس گفتگوی بینامتنی [از جمله بینامتنی ضمنی] یک متن معین، متنهای پیشین را فرا میخواند. اکو این مقوله اخیر را شامل انواع بسیار زیادی میدانند که به چند مورد از آنها اشاره میکند از جمله آشنامایه<sup>۱</sup> که انتظارات بینامتنی مخاطب است که بر اساس شناخت قبلی او از ژانر مربوطه و در نتیجه، شخصیتها، وضعیتها، رخدادها و پیرنگ و عناصری از این دست بوجود می‌آید. شاید بتوان این تعبیر اکو را با تعبیری چون قاب<sup>۲</sup>، فلیمنامه<sup>۳</sup>، سناریو<sup>۴</sup>، طرح‌واره<sup>۵</sup>، طرح‌واره انگاری<sup>۶</sup> و مواردی از این قبیل مشابه دانست. این نوع شناخت، دایره‌المعارف بینامتنی مخاطب را تشکیل میدهد. دانش بینامتنی او نیز باعث میشود بتواند اشارات مستقیم قصه را بدیگر قصه‌ها تشخیص دهد» (ساسانی، ۱۳۸۴: ص ۴۷). از این رو در بینامتنیت ضمنی، از روی نشانه‌ها و قرائن و مشابَهت‌ها میتوان مرجع را تشخیص داد و شناخت و البته این نحوه تداخل، شفاف و مشخص نیست ولی مؤلف تلاش برای پنهان ساختن آن نیز ندارد. در این نوع از بینامتنیت، هنرمند بستگی به متن و تناسب موضوع و محتوا و میزان نبوغ خویش بصورت هنری و ناخودآگاه به پشتوانه فرهنگی پیش از خود ارجاع میدهد و بخشی از آن را دوباره بازآفرینی میکند. «بر اساس نظریه ژرارژنت، بینامتنیت ضمنی هنگامی رخ میدهد که نشانه‌های مشترک در دو متن وجود داشته باشد، بگونه‌ای که برای مخاطب متن بعدی، متن پیشین را تداعی میکند» (نامور مطلق، ۱۳۹۰: ص ۹۷). در خسرو و شیرین نظامی نشانه‌های قابل توجهی از بینامتنیت ضمنی نسبت به ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی میتوان یافت.

۱. Topos

۲. Frame

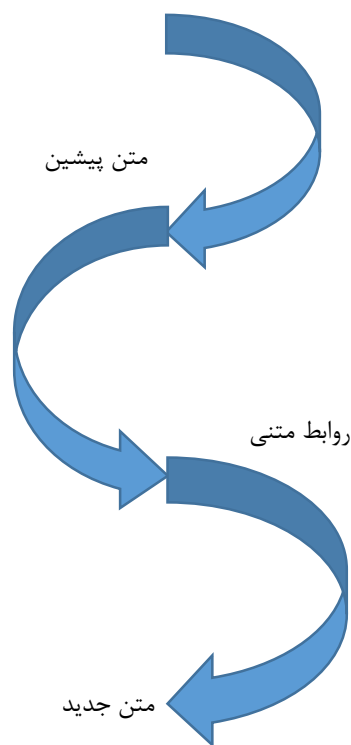
۳. script

۴. scenario

۵. schemate

۶. Image schemata

شکل ۱. الگوی روابط بینامتنی (ر.ک تقی‌زاده، ۱۴۰۱: ص ۷۱).



**معرفی اجمالی منظومه ویس و رامین:** منظومه ویس و رامین یکی از کهنترین منظومه‌های عاشقانه به زبان فارسی است که فخرالدین اسعد گرگانی، شاعر قرن پنجم آن را به رشته نظم درآورده است. این اثر داستانی، حکایتی عاشقانه از عهد اشکانی است که اصل آن به زبان پهلوی است و فخرالدین اسعد گرگانی آن را بنظم درآورده است. شرح این داستان چنین است که: پادشاه مرو از زنی به نام «شهره» تقاضای ازدواج میکند. شهره نمیپذیرد، اما عهد میندود که اگر صاحب فرزندی شد، او را به عقد شاه موید درآورد. شهره فرزندی بدنیا می‌آورد و نام او را «ویس» میگذارد. شهره، ویس را به دایه‌ای میسپارد که سرپرستی رامین، برادر «شاه موید» را نیز بر عهده دارد. ویس زمانی که بزرگ میشود به عقد شاه موید در می‌آید اما از این ازدواج ناخرسند است و دل در گرو رامین برادر شاه دارد و سرانجام با کمک دایه جادوگر خود، شاه را از میان برمیدارد و با رامین ازدواج میکند.

**معرفی اجمالی منظومه خسرو و شیرین:** خسرو پرویز پادشاه ایران، ندیمی به نام شاپور دارد که نقاشی چیره‌دست، صورتگری ماهر و مردی جهان‌دیده است. روزی شاپور از دیده‌ها و شنیده‌های خود در طی سفرهایش برای خسرو پرویز یاد میکند و سخنش به آنجا میرسد که در سرزمین ارمنستان بانویی مقتدر به نام «مهمین بانو» فرمانروایی میکند و برادرزاده‌ای زیبا به نام شیرین دارد. از تعریف شاپور، خسرو شیفته و واله شیرین میشود و روزی شاپور تمثال خسرو پرویز را بتصویر میکشد و بر سر راه شیرین که به‌مراه کنیزان خود برای تفریح بصحرا



رفته است، قرار میدهد؛ شیرین با دیدار چهره خسرو پرویز شیفته او میشود و پس از کش و قوسهای فراوان خسرو پرویز و شیرین بیدار هم میرسند اما شیرین از خسرو پرویز میخواهد که برای اثبات عشق و علاقه‌اش، نخست سلطنت از دست رفته را از غاصبان باز پس بگیرد و سپس با وی ازدواج کند. خسرو پرویز برآشفته از این شروط شیرین، نزد قیصر روم میرود و در آنجا با مریم دختر وی ازدواج میکند و به یاری قیصر، بهرام چوبینه را مغلوب میکند و تخت سلطنت خویش را دوباره تصاحب میکند، اما در این میان هوای عشق شیرین دوباره او را بیتاب میکند و در پی جلب توجه شیرین، بدستور خسرو پرویز، شاپور فرهاد کوهکن را می‌یابد تا برای شیرین که به شیر علاقه مند است، جویی از دل کوه بکند. فرهاد که شیرین را ندیده است تنها با شنیدن آوای او عاشقش میشود و خسرو که از این مسأله مطلع میشود با شایعه دروغین مرگ شیرین، سبب مرگ فرهاد و از میان برداشتن رقیب میشود. در این میان خسرو با شکر که دلداری دیگر یعنی شکر است، ملاقات میکند اما سرانجام شیرین به ازدواج خسرو درمی‌آید عشقی که در نهایت به کشته شدن خسرو پرویز بدست پسر و جانشینش شیرویه و خودکشی شیرین از اندوه مرگ خسرو پرویز ختم میشود.

### تحلیل داده‌ها

#### درونمایه و مضامین (نمودهای عام و فراگیر)

**ساختار آغازین:** در ساختار آغازین هر دو داستان پیوند میان متن حاضر (خسرو و شیرین) و متن پیشین (ویس و رامین) به تمامی آشکار نیست و هنرمند با استفاده از پشتوانه فرهنگی خود به بازسازی معانی پرداخته است؛ ستایش و نعت خداوند یکی از انواع بینامتنیت ضمنی در متون ادبی بویژه شعر کلاسیک فارسی است که در آن شاعران، آغاز دیوان خود را با حمد و ستایش پروردگار آغاز مینمودند و این شیوه بعنوان نوعی از بینامتنیت ضمنی در خسرو و شیرین نظامی نیز دیده میشود؛ در حقیقت میتوان اذعان نمود که این رویه فرهنگی در بسیاری از متون دیگر نیز قابل مشاهده است و اگر بعنوان مثال «خسرو و شیرین» نظامی را با اثری دیگر مانند «شاهنامه» نیز سنجه و قیاس نماییم، این نمود عام و فراگیر را میتوان در آن مشاهده نمود. آغاز منظومه ویس و رامین با حمد و ثنای پروردگار چنین آغاز میشود:

نه بتواند مرو را چشم دیدن      نه اندیشه در او داند رسیدن  
زمان را مبدع او بوده است ز آغاز      نبایستش در آن مبدع آغاز  
(فخرالدین اسعد گرگانی: ۱۴ - ۱۵)

نظامی نیز آغاز منظومه خسرو و شیرین را با مناجات و «در توحید باری تعالی عز اسمه» آغاز نموده است:

به جستجوی او بر بام افلاک      دریده وهم را نعلین ادراک  
خرد در جستش هشیار برخاست      چو دانستش نمیداند چپ از راست  
(نظامی، ۱۲ - ۱۳)

در ستایش پیامبر اکرم (ص)

سه طاعت واجب آمد بر خردمند      که آن هر سه بهم دارند پیوند  
یکی فرمان دادار جهان است      که جان را زو نجات جاودان است  
دوم فرمان پیغمبر محمد      که آن را کافر بی‌دین کند رد  
(فخرالدین اسعد گرگانی، ۵ - ۶)

نظامی نیز در مقدمه خسرو و شیرین پس از حمد و ثنای پروردگار، به نعت پیامبر اکرم (ص) پرداخته است:  
محمد کافرینش هست خاکش هزاران آفرین بر جان پاکش

اساس شرع او ختم جهان است شریعتها بدو منسوخ از آن است  
(نظامی: ۱۱)

ذکر این نکته لازم است که بخشهای آغازین هر منظومه اعم از مدح و ثنای پروردگار، ممدوح و... در حکم دروازه ورود به بخش اصلی متن را دارد که بنوعی مقدمه را از تنه اصلی جدا مینماید که بنظر میرسد ریشه‌ای کهن دارد و تا دوران یونان باستان میتوان ردپای آن را مشاهده نمود. شیوه‌های آغاز در دوران باستان بویژه در آثار یونانی و لاتینی به چهار دسته تقسیم میشده است: دیباچه، پیشگفتار، سرآغاز و متن اصلی که معمولاً آنچه پیش از متن اصلی قرار میگرفته است بعنوان مقدمه‌ای در شروع ماجرا و یا سبب تصنیف اثر بوده است و اینکه اثر به درخواست چه کسی (یا تقدیم شده به کدام ممدوح) تدوین شده است (ر.ک اخوت، ۱۳۷۱: صص ۲۳۰ - ۲۳۳). یکی از جمله نظریه‌پردازانی که به این مقدمات توجه خاصی داشته است، ژنت میباشد که این مبحث را در «پیرامنتیت» معرفی نموده است. «پیرامنتیت، ارتباط یک متن است با پیرامنتش - که بدنه اصلی متن را احاطه کرده است. مثل عنوان، سرتیتر، دیباچه، سرلوحه، تقدیمات، تقدیر، تشکر و...» (چندلر، ۱۳۸۷: صص ۲۹۶ - ۲۹۷). «سنت دیباچه و مقدمه در متون ایرانی قدمتی دیرین دارد. گاهانها که آن را قدیمیترین بخش اوستا میدانند عموماً خطاب به اهورامزدا و وصف او آغاز شده است که میتوان آن را تحمیدیه محسوب کرد. در کتیبه‌های هخامنشی بر حسب دو قدرت اصلی یعنی شاه و اهورامزدا، مقدمه دارای دو نوع ساختار است: معرفی صاحب کتیبه و تحمیدیه یا ستایش اهورا مزدا» (دهرامی، ۱۳۹۷: صص ۵۰ - ۵۱). مقدمه‌هایی چون مقدمه ویس و رامین و خسرو و شیرین نظامی از جمله انواع مقدمه‌های عمومی محسوب میشوند که با اندکی جابجایی اجزا یا حذف و اضافات در بیشتر منظومه‌ها مشاهده میشود. اجزای این مقدمه‌های عمومی شامل تحمیدیه، ستایش رسول (ص) و صحابه، آفرینش جهان، مراتب آن و بر اساس مشرب فلاسفه قدیم، بخش وصفی، سبب تألیف کتاب و انجام آن، مدح و ممدوح و در نهایت پرداختن به اصل ماجرا و داستان (ر.ک همان: ص ۵۴). در ویس و رامین (بر اساس نسخه مورد بررسی) ۴۹۶ بیت و در خسرو شیرین (بر اساس نسخه مورد بررسی) ۵۶۹ بیت به مقدمه عمومی اختصاص دارد. این شیوه نوعی از بینامتنیت ضمنی را ایجاد میکند که گرچه در اغلب متون شعری گذشته ادب فارسی میتوان ردپای آن را مشاهده نمود اما در ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی و خسرو و شیرین نظامی بدلیل بنمایه‌های مشترک دیگر و یکسانی وزن (بحر هزج) میتوان بخوبی مشابهت آن را احساس نمود؛ بعنوان نمونه در ستایش ممدوح در ویس و رامین که «فخرالدین طغرل سلجوقی» است آمده است:

سه طاعت واجب آمد بر خردمند که آن هر سه بهم دارند پیوند...  
سیم فرمان سلطان جهاندار به ملک اندر بهای دین دادار  
(فخرالدین اسعدگرگانی، ص ۲۵)

نظامی نیز پس از حمد و ثنای پروردگار و حضرت محمد (ص) به مدح ممدوح خویش در این منظومه یعنی «طغرل ارسلان» پرداخته است:

چو سلطان جوان شاه جوانبخت که برخوردار باد از تاج و از تخت  
ملک طغرل که دارای وجود است سپهر دولت و دریای جود است  
(نظامی، ۲۷)

**در سبب نظم کتاب:** فخرالدین اسعد گرگانی چنانکه خود در مقدمه ویس و رامین میگوید، این اثر را بدستور خواجه ابوالفتح به رشته تحریر درآورده است:

مرا یک روز گفت آن قبله دین چه گویی در حدیث ویس و رامین  
بگفتم کان حدیثی سخت زیباست ز گرد آورده شش مرد داناست  
چو بشنید این سخنها خواجه از من مرا بر نهاد از فخر گرزن

(فخرالدین اسعد گرگانی، ۳۲)

نظامی نیز سبب سرایش داستان خسرو و شیرین را برای خواننده بازگو میکند و میگوید:

مرا چون هاتف دل دید دمساز برآورد از رواق همت آواز  
که بشتاب ای نظامی زود دیر است فلک بدمهر و عالم زود سیر است  
نصیحتهای هاتف چون شنیدم چو هاتف روی در خلوت کشیدم  
در آن خلوت که دل دریاست آنجا همه سرچشمهها آنجاست آنجا  
نهادم تکیه‌گاه افسانه‌ای را بهستی کردم آتش خانه‌ای را  
(نظامی، ۲۶)

**تنه اصلی داستان:** داستان خسرو و شیرین نظامی با توصیف هرمز پدر خسرو پرویز، تولد و بالندگی خسرو آغاز میشود:

جهان افروز هرمز داد میکرد بداد خود جهان آباد میکرد  
بچندین نذر و قربانش خداوند نرینه داد فرزندی، چه فرزند  
گرامی درّی از دریای شاهی چراغی روشن از نور الهی  
(نظامی، ص ۴۰)

پس از آن نظامی به ابتدای ماجرای عاشقی خسرو پرویز به شیرین اشاره میکند؛ خسرو پرویز در عنفوان جوانی به شکار و تفریح علاقه بسیار دارد و همین امر سبب میشود که هرمز او را تنبیه کند:

ملک فرمود تا خنجر کشیدند تگاور مرکبش را پی بریدند  
(نظامی، ۴۱)

پس از این تنبیه خوابی میبیند که در آن به او مژده دستیابی به چهار چیز داده میشود؛ پس از بیداری خواب خود را با شاپور - ندیم و پیشکار خود - در میان مینهد و شاپور در ضمن تعبیر خواب او بتوصیف مهین بانو شاه ارمن و برادرزاده او شیرین میپردازد:

ندیمی خاص بودش نام شاپور جهان گشته ز مغرب تا لهاور  
(همان، ۴۸)

**متن پیشین:** تنه اصلی داستان در ویس و رامین از آنجا آغاز میشود که موبد در یکی از جشنها عاشق زنی بنام شهره میشود و از وی تقاضای ازدواج میکند:

چنان آمد که روزی شاه شاهان که خواندندش همی موبد منیکان  
بدید آن سیمتن سرو روان را بت خندان و ماه بانوان را  
(فخرالدین اسعد گرگانی: ۴۵)

شهره به درخواست موبد جواب رد میدهد اما قول میدهد که دختری از خویش را به موبد بدهد:  
نزادم تاکنون دختر وزین پس اگر زایم تویی داماد من بس  
(همان: ۴۶)

**روابط بینامتنی:** دو عامل اصلی شکل‌گیری داستان در هر دو متن هرمز و موبد هستند که از قضا هرمز نیز برخلاف بسیاری از شاهان ساسانی، صفاتی نیک چون خدانشناسی و عدل و داد را در رفتار خویش نشان میدهد گویی هرمز، شاه - موبدی پرهیزگار و مقتدر است که زمام امور را بدست دارد:

جهان‌افروز هرمز داد میکرد به داد خود جهان آباد میکرد  
همان رسم پدر بر جای میداشت دهش بر دست و دین بر پای میداشت  
(نظامی: ۵۰)

در آغاز داستان رفتار سیاسی هرمز با منش دینی او از او پادشاهی مذهبی ساخته است:  
و گر کس روی نامحرم ببیند و گر در خانه ترکی نشیند  
سیاست را ز من گردد سزاوار بدین سوگندها میخورد بسیار  
(همان: ۵۱)

نکته دیگر آنکه ویس و شیرین هر دو بزرگزاده هستند و از نظر طبقه اجتماعی بنوعی اشرافزاده بحساب می‌آیند.

### یاریگر در داستان

**متن پیشین:** در ویس و رامین برادر موبد یعنی «زرد» نیز بعنوان یاریگر در تمامی داستان نقش محوری را ایفا میکند و از همان صحنه‌های آغازین ابتدا پیغام شاه موبد را به شهره میرساند و سپس خبر عهدشکنی شهره را برای موبد می‌آورد و زمینه را برای شکل‌گیری حوادث بعدی فراهم میکند:

ز راه اندر پدید آمد سواری چو کوه ویژه زیرش شاهواری  
بدینسان اسب و ساز و جامه مرد چو نیلوفر کبود و نام او زرد  
رسول شاه و دستور و برادر هم او و هم نوندش کوه پیکر  
کجا فرمان شاهنشاه چنین است مرا فرمان او همتای دین است  
(فخرالدین اسعدگرگانی: ۵۴)

**متن حاضر:** شاپور در نقش یاریگری مثبت در داستان خسرو و شیرین ظاهر میشود تا خسرو را به وصال شیرین برساند، نظامی از زبان شاپور می‌گوید:

که فرمانی دهد شاه جهانم بگویم صد یک از چیزی که دانم  
(نظامی، ۴۰)

شاپور سپس به توصیف شیرین و ویژگیهای او می‌پردازد تا خسرو پرویز را به وی راغب گرداند.

## نامه‌نگاری

متن پیشین: یکی دیگر از نکات مورد توجه در خصوص بینامتنیت در دو داستان مذکور، مسأله نامه‌نگاری است. ویس و رامین از جمله نخستین آثاری است که در آن نامه‌نگاری عاشقانه مورد توجه قرار گرفته است و این مسأله را میتوان سرمشق سایر منظومه‌های غنایی و عاشقانه دانست که منظومه‌سرایان غنایی پس از فخرالدین اسعد گرگانی به آن توجه داشته‌اند و پس از آنکه به عقد شاه موبد در می‌آید، عشق هوس‌آلود و آتشین به رامین - برادر شاه موبد - مانع از آن میشود که بتواند درد فراق از رامین را تاب بیاورد شروع به نامه‌نگاری میکند، نامه‌هایی سرشار از سوز و گداز و گلایه عاشقانه:

منم گنج وفا را گشته گنجور	تویی دست جفا را گشته دستور
یکی بر تو دهم در نامه سوگند	بحق دوستی و مهر و پیوند
بحق آنکه با هم جفت بودیم	بحق آنکه ما همگفت بودیم

(فخرالدین اسعد گرگانی، ۳۵۹)

متن حاضر: در منظومه خسرو و شیرین نیز نامه‌نگاریهایی بین دو دلداده انجام میشود، مضمون این نامه‌ها گاه طنزگونه و کنایه‌آمیز است، مانند نامه‌ای از خسرو به شیرین در تعزیت فرهاد و بالعکس نامه‌ای از سوی شیرین در تعزیت مرگ مریم به خسرو پرویز، زمانی که خسرو از ماجرای عشق فرهاد نسبت به شیرین و ملاقات آن در کوه بیستون آگاه میگردد، دنیا در برابر چشمانش تیره و تار میشود و در نامه‌ای بلند بالا با زبان کنایی و طنز و با نیش گزنده و تلخ خطاب به شیرین مینویسد:

بکویت عاشقان را بار بادا	ز اسم ننگ و نامت عار بادا
خصوص آن خسته دل فرهاد مهجور	مبادا از حریم حضرتت دور

(نظامی، ۱۹۶)

در مقابل شیرین نیز در مرگ مریم، نامه‌ای از راه کنایه به تعزیت میفرستد:

چو کار کالبد گیرد تباهی	نه درویشی بکار آید نه شاهی
ز بهر چشمه‌ای مخروش و مخراش	ز فیض دجله گو یک قطره کم باش
گلی گر شد چه باید دید خاری	عوض باشد گلی را نوبهاری

(همان: ۲۷۱)

روابط بینامتنی: در هر دو منظومه بین دو دلداده جهت ابراز علاقه، گلایه، شکایت از بیوفایی و هجران نامه‌نگاری صورت گرفته است.

وجود رقیب: یکی دیگر از وجوه تشابه بینامتنیت ضمنی در دو داستان خسرو شیرین نظامی و ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی وجود شکر اصفهانی و مریم در زندگی خسرو و «گل» در زندگی رامین است که بعنوان رقیب شیرین و ویس ماجراهایی را رقم میزنند.

متن پیشین: رامین به سبب دوری از ویس، رنج دیدار وی و سرزنشهای برادرش موبد شاه سعی دارد که ویس را فراموش نموده و دلداری دیگر برگزیند؛ در یکی از دیدارهایی که بین ویس و رامین صورت میبندد، ویس با بی‌مهری رامین را از خود میراند:

چو پیش ویس شد بر تخت بنشست  
بر افشاند آن بت خندان بر او دست  
بگفت از جای شاهنشاه برخیز  
چو که باشی ز جای مه بهره‌یز  
ترا این کار جستن سخت زود است  
مگر این راه بد دیوت نمودست  
(فخرالدین اسعد گرگانی، ۲۳۱)

پس از این برخورد ویس، رامین با آزرده‌گی او را ترک می‌کند:

ز پیش وی دژم برخاست رامین  
کننده زیر لب بر بخت نفرین  
(همان: ۲۳۲)

پس از این اتفاق، رامین از ویس با رنجوری جدا می‌شود و به گوراب می‌رود و دل به معشوقی دیگر به نام گل می‌بندد:

چو رامین گرد مرز خویش برگشت  
چنان آمد که بر گوراب بگذشت  
دل رامین به هشیاری و مستی  
چو ناز آگنده بود از درد و سستی  
یکی چون گل که بر وی مشک ببزد  
یکی چون در که در وی باده ریزد  
چو باغی از مه و پروین بهارش  
بهاری از گل و سوسن نگارش  
چو رامین دید آن سرو روان را  
بت با جان و ماه با روان را  
نبودش دیده را دیدار باور  
که بت بیند همی یا ماه خور  
(همان: ۲۴۱)

**متن حاضر:** در منظومه خسرو و شیرین نظامی، خسرو پس از آنکه از وصال شیرین ناامید می‌شود، برای باز پس گرفتن حکومت از دست رفته به روم می‌رود تا از قیصر روم درخواست کمک نماید و در آنجا با مریم دختر قیصر ازدواج می‌کند؛ پس از این ازدواج و مرگ مریم و پایان این ازدواج سیاسی، بنوعی برای تنبیه شیرین و جفاکاری او بار دیگر دل به معشوقه‌ای به نام «شکر» می‌بندد اما نه مریم و نه شکر هیچیک نمیتوانند عشق شیرین را از جان و دل خسرو پرویز دور کنند چراکه ازدواج او با مریم دختر قیصر روم، حرکتی تلافی‌جویانه در تنبیه شیرین می‌باشد:

ملک را گرم کرد آن آتش تیز  
چنانک از خشم شد بر پشت شبدیز  
بتندی گفت من رفتم شبت خوش  
گرم دریا به پیش آید گر آتش  
دل از شیرین غبارانگیز کرده  
بعزم روم رفتن تیز کرده  
(نظامی: ۱۶۸)

و در بیان عشق خسرو به شکر

سرش سودای بازار شکر داشت  
که شکر هم ز شیرینی اثر داشت  
(همان: ۲۰۱)

نظامی بار دیگر در داستان عشق خسرو به شکر از ویس بمناسب صفت عاشقی یاد می‌کند:

چو ویسه فتنه‌ای در شه‌دبوسی  
چو دایه آیتی در چاپلوسی  
(همان)

اما پس از آنکه خسرو به وصال شکر میرسد باز هم هوای عشق شیرین در سر دارد:

چو شمع از دوری شیرین در آتش      که باشد عیش موم از انگبین خوش  
کسی کز جان شیرین بازماند      چه سود ار در دهن شکر فشانند؟  
(همان: ۲۱۴)

**روابط بینامتنی:** در هر دو ماجرای گل و مریم و شکر، هر دو عاشق یعنی رامین و خسرو پرویز بار دیگر و در نهایت به یاد ویس و شیرین می‌افتند و عشق این دو دل‌داده را نمیتوانند از دل و جان خویش بیرون کنند. از دیگر شباهت‌های بینامتنی در این دو داستان آن است که با رفتن رامین به سمت گوراب و ماجرای عشق او به گل و پس از ازدواج خسرو پرویز با مریم، ویس و مریم هر دو سر عتاب و ناسازگاری بر میدارند تا جایی که گل، ویس را جادوگری خطاب میکند که با سحر دل رامین را تسخیر کرده است و این سخن از زبان مریم نیز در داستان خسرو و شیرین تکرار میشود:

مشو دیگر به نزد ویس جادو      زن موبد کجا باشدت بانو  
(فخرالدین اسعدگرگانی: ۲۴۱)

و در تهدید مریم خطاب به عشق خسرو پرویز نسبت به شیرین:

مرا با جادویی هم حقه سازی      که برسازد ز بابل حقه‌بازی  
(نظامی: ۳۴۶)

و خسرو را تهدید میکند که اگر عشق شیرین را در بیرو راند و او را بقصر بیاورد، خودکشی میکند:

به تاج قیصر و تخت شهنشاه      که گر شیرین بدین کشور کند راه  
بگردن برنهم مشکین رسن را      برآویزم ز جورت خویشتن را

**آزمودن رامین و خسرو توسط دایه:** از دیگر موارد مشابه و بینامتنیّتی ضمنی در دو داستان یاد شده، آزمودن خسرو پرویز و رامین توسط دایه یا پرستار ویس و شیرین است.

**متن پیشین:** در منظومه ویس و رامین، ویس جهت آزمودن موبدشاه، دایه خویش را به بستر او میفرستد تا خود بتواند نزد رامین رفته و با او نرد عشق ببازد؛ آن هم زمانی که موبد شاه در حالت مستی و بی‌خویشی است:

شتاب دوستی در جانش افتاد      همان دم دایه را پیشش فرستاد  
(فخرالدین اسعدگرگانی: ۱۷۰)

**متن حاضر:** شیرین برای آزمودن مستی خسرو، دایه خویش را بجای خود بسراغ او میفرستد:

بعمدا زیوری بر بستش آن ماه      عروسانه فرستادش بر شاه  
بدان تا مستیش را آزماید      که مه را ز ابر فرقی مینماید؟  
(نظامی، ۳۰۳)

**روابط بینامتنی:** نقش دایه در هر دو داستان برای رفتن نزد خسرو پرویز و موبد شاه که در مستی و باده‌گساری بودند، کاملاً مشخص است اما نکته حائز اهمیت آن است که شیرین، دایه را نزد خسرو میفرستد تا از میزان هشیاری او خبردار شود حال آنکه ویس، دایه را نزد موبدشاه روانه میکند تا خود بتواند از بی‌خویشی موبد استفاده کند و نزد رامین برود:

به دایه گفت چار من تو دانی      مرا از دست موبد چون رهانی  
ترا با وی بیاید خفت ناچار      برآیینی که خسبد یار با یار

بگفت این و چراغ از خانه برداشت  
بچاره دایه را با شوی بگذاشت  
به پیش دوست شد سرمست و خرم  
به بوسه ریش او را ساخت مرهم  
(همان: ۱۷۷)

**گفتگو و مکالمه با معشوق در مکانهای خاص:** از دیگر شاخصه‌های بینامتنیت در منظومه خسرو و شیرین و ویس و رامین مکالمه و گفتگوی خسرو پرویز و رامین با شیرین و ویس در پای دیوار قصر است:  
**متن پیشین:** در ویس و رامین شاعر بتوصیف صحنه‌ای می‌پردازد که رامین در شبی بارانی در پای قصر ویس ایستاده و با او صحبت میکند:

بدین هنگام سخت و برف و سرما  
ندانم چون روم در راه تنها  
نه از خوبی نماید هیچ کردار  
نه بر پوزش نیوشد هیچ گفتار  
بمانم خسته‌دل چون حلقه بر در  
شود نومید جانم رنج بی‌بر  
(فخرالدین اسعدگرگانی، ۲۹۴)

در ویس و رامین عتاب و قهر میان دو دل‌داده هنگام دیدار و ملاقات ویس و رامین مورد توجه قرار گرفته است. ویس که سخنان عتاب‌آمیز رامین را می‌شنود از او جدا شود اما رامین از رفتار خویش شرمسار می‌شود و به رسم عذرخواهی به ویس چنین می‌گوید:

همی‌گفت ای صنم بر من ببخشای  
مرا تیمار بر تیمار مفزای  
کنون گردیدم از کرده پشیمان  
ز من طاعت از این پس وز تو فرمان  
(فخرالدین اسعدگرگانی، ۳۴۰)

**متن حاضر:** در توصیفی که نظامی از رفتن خسرو به قصر شیرین میکند پس از آنکه خود در نزدیکی قصر معشوق فرود می‌آید و پس از عذرخواهی فراوان از شیرین از او می‌خواهد که در قصر را به روی او بگشاید:  
چو عالم برزد آن زرین علم را  
کز او تاراج باشد خیل غم را  
به یک فرسنگی قصر دل آرام  
فرود آمد چو باده در دل جام  
(نظامی: ۹۹)

پس از آنکه خسرو به نزدیکی قصر فرود می‌آید بساط عیش و طرب را بر پا میدارد و شیرین از قصر خارج می‌شود تا با او ملاقات کند؛ نظامی در اینجا به داستان ویس و رامین و دیدار این دو دل‌داده اشاره میکند و می‌گوید:

چو شیرین دید خسرو را چنان مست  
ز پای افتاد و شد یکباره از دست  
که گر نگذارم اکنون در وثاقش  
ندارم طاقت زخم فراقش  
و گر لختی ز تندی رام‌گردم  
چو ویسه در جهان بدنام‌گردم  
بکوشم تا خطا پوشیده باشم  
چه نتوانم نه من کوشیده باشم؟  
(همان: ۱۰۱)

دیدار خسرو و شیرین به کدورت و ناراحتی میان دو دل‌داده ختم می‌شود و خسرو با رنجوری شیرین را ترک کرده و به لشکرگاه خود و نزد شاپور باز میگردد اما پس از آن شیرین از این قهر و جدایی آزاده می‌شود و سرانجام با تمهیداتی خود را به بزم شاه و لشکرگاه وی میرساند و با خسرو ملاقات میکند و از شاه عهد می‌ستاند تا وی را به کلون خویش درآورد و سخنانی از در مهر و محبت به خسرو می‌گوید:



هنوزم ناز دولت مینمایی  
 هنوزت در سر از شاهی غرور است  
 تو از عشق من و من بی‌نیازی  
 دریغا کاین غرور از عشق دور است  
 به من بازی کنی در عشقبازی  
 (همان)

**روابط بینامتنی:** صحنه‌های مشابه دیدار ویس و رامین و خسرو و شیرین در قصر، گفتگوها، گله‌مندیها و عذرخواهی از سوی یکی از طرفین از جمله مناسبت‌های بینامتنی مشترک در هر دو داستان است.

**نقش آفرینی بانوان در زنان:** در ویس و رامین و خسرو و شیرین، زنان شخصیت‌های فعال و مستقل و کنشگر دارند. قدرت عمل، آزادی، تهور و شجاعت از خصایص زنان هر دو منظومه است.

**متن پیشین:** بنظر میرسد که فخرالدین اسعدگرگانی در نحوه شخصیت‌پردازی از این قبیل زنان، بیش از آنکه به عادات و یا آداب و رسوم جامعه و عصر خویش توجه داشته باشد، به حفظ روح پارسی اصل اثر، متعهد بوده است، چرا که این قبیل خصائص و ویژگیها با سنت‌های اسلامیویژه در آن دوران بهیچ وجه سازگار نیست بی‌پروایی در بیان عشق یکی از جمله این ویژگیها و خصایص زنان فعال و کنشگر است تا جاییکه ویس در مقابل شوی - شاه موبد - بی‌پروا از عشق خود به رامین میگوید و زمانیکه شاه موبد از زیباییهای مرو برای او تعریف میکند، ویس بودن در کنار رامین را بر هر جای و مکان زیبایی ترجیح میدهد:

مرو را گفت شاها مرو آباد  
 من اینجا دل نهادستم بناکام  
 اگر دیدار رامین را نبودی  
 اگر نیک است ور بد مر تو را باد  
 که هستم گوروار افتاده در دام  
 تو نام ویس از آن گیهان شنودی  
 مرا چه مرو باشد جای و چه ماه  
 (فخرالدین اسعد گرگانی: ۱۶۴)

**متن حاضر:** زنان در منظومه خسرو و شیرین نیز زنانی تأثیرگذار هستند و از زنان منفعل در این منظومه خیری نیست. نظامی اقتدار و کاردانی مهین بانو، جرأت و جسارت شیرین و کنشگری آنها را بخوبی بتصویر کشیده است. بعنوان نمونه در توصیف اقتدار مهین بانو، شاه ارمنستان:

زنی فرمانده است از نسل شاهان  
 همه اقلیم اران تا به ارمن  
 شده جوش سپاهش تا سپاهان  
 مقرر گشته بر فرمان آن زن  
 (نظامی: ۲۸)

**توجه به بنمایه‌های حماسی در متن غنایی:** یکی دیگر از موارد بینامتنیّت ضمنی در داستان خسرو و شیرین و ویس و رامین تلاش نظامی و فخرالدین اسعدگرگانی برای توجه به بنمایه‌های حماسی در دل اثر غنایی است.

**متن پیشین:** فخرالدین اسعد نیز در صحنه نبرد شاه موبد با ویرو تبحر خویش را در سرودن اشعار حماسی نشان داده است:

عدیل صور شد نای دمنده  
 پی پیلان و سُم بادپایان  
 کبیره مرده را میکرد زنده  
 شده آتشفشان سنگ‌سایان  
 به گردون رفت و پس آمد ازو باد  
 تو گفتی ناگهان دو کوه پولاد  
 (فخرالدین اسعدگرگانی: ۶۴ - ۶۵)

**متن حاضر:** در ذکر نبرد خسرو پرویز با بهرام و گریختن بهرام، نظامی سعی دارد در قالب حماسی نیز طبع‌آزمایی کند:

چو کوه آهنین از جای جنبید      زمین گفתי که سر تا پای جنبید  
شبیخون کرد و آمد سوی بهرام      زره را جام کرد و خود را جام  
چو آگه گشت بهرام جهانگیر      به جنگ آمد چو شیر آید به نخچیر  
(نظامی: ۱۶۰ - ۱۶۱)

**روابط بینامتنی:** این ابیات رابطه هم‌حضور و بینامتنیت عناصر حماسی از جمله تصاویر، لحن و واژگان حماسی را نشان می‌دهد. رابطه بینامتنی در تصاویر حماسی و مضمون‌سازی در خسرو و شیرین از نوع ضمنی است چرا که در داستان نظامی موضوع نیز بهرام چوبین با خسرو پرویز مطرح است، در حالی که در داستان ویس و رامین نبرد موبد با ویرو (برادر ویس) که نبردی برای تصاحب ویس است، مورد توجه قرار گرفته؛ از سویی بنظر میرسد فخرالدین اسعد گرگانی، بصورت مبسوط و مفصلتری به توصیف این نبرد پرداخته است.

**خوابهای دروغین:** یکی دیگر از نمودهای بینامتنیت ضمنی در داستان خسرو و شیرین نظامی و ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی، خوابهای دروغین و نادرستی است که از طرف برخی از شخصیت‌های داستان بیان میشود: **متن پیشین:** از نمودهای دیگر خوابهای دروغین در ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی، خوابی است که ویس برای خارج شدن از کهندژ و هموار ساختن راهی برای ورود رامین به دژ تعریف مینماید؛ رامین از سرزمین گرگان به مرو می‌آید تا ویس را ملاقات کند؛ در این اثنا پیامی به ویس می‌فرستد و از او راه چاره می‌خواهد این در حالی است که «زرد» نگهبان کهندژ است و از ویس و دژ محافظت میکند. ویس بمنظور فریب زرد بخوابی دروغین متوسل میشود:

همانکه سوی زردش کس فرستاد      که بختم دوش در خواب آگهی داد  
که ویرو یافت لختی درد و سستی      کنون بازآمدش حال درستی  
به آتشفشان خواهم رفتن امروز      بکار نیک بودن آتش افروز  
(فخرالدین اسعدگرگانی، ۳۵۸)

و به این ترتیب زرد با خواب دروغینی که ویس تعریف میکند فریب می‌خورد و رامین موفق به ورود به دژ میشود. **متن حاضر:** در داستان خسرو و شیرین، شاپور بمنظور راضی کردن شیرین و علاقه‌مند ساختن او به خسرو، خواب دروغینی را مطرح میکند و از زبان خسرو می‌گوید که وی در خواب شبی، شیرین را دیده است:

خیالت را شبی در خواب دیده است      از آن شب عقل و هوش از وی رسیده است  
نه می‌نوشد نه هرگز جام گیرد      نه شب خسبند نه روز آرام گیرد  
مرا قاصد بدین خدمت فرستاد      تو دانی نیک و بد کردم ترا یاد  
(نظامی، ۷۴)

### بینامتنیت عناصر داستانی

**زاویه دید:** بررسی منظومه خسرو و شیرین نشان میدهد که تقریباً بیش از نیمی از این منظومه عاشقانه با زاویه دید سوم شخص و روایت دانای کل برشته نظم درآمده است.

**متن پیشین:** ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی نیز شیوه روایت سوم شخص (دانای کل) بیشتر سروده شده است:

بدید آن سیمتن سرو روان را      بت خندان و ماه بانوان را  
به تنهایی مر او را پیش خود خواند      بسان ماه نو بر گاه بنشانند  
(فخرالدین اسعدگرگانی: ۴۵)

گرچه گاه در برخی قسمتهای داستان از راوی دانای کل و سوم شخص به تک‌گویی نمایشی گریز میزند:  
درختی رسته دیدم بر سر کوه      که از دلها زداید زنگ اندوه  
به زیرش سخت روشن چشمه آب      که آبش نوش و ریگش دَر خوشاب  
(همان: ۲۲۱)

**متن حاضر:** نظامی در قالب این زاویه دید بر حوادث داستان اشراف داشته و وقایع و اتفاقات را نقل قول میکند تا ضمن توصیف اشخاص، صحنه‌ها و حوادث در میانه داستان مداخله نماید و بتجزیه و تحلیل بپردازد گرچه این نوع زاویه دید گاه تغییر میکند؛ بعنوان نمونه هنگامی که شاپور به طلب شیرین میرود، داستان با زاویه دید اول شخص بیان میشود تا بدین صورت نظامی بر گیرایی و غنای داستان بیفزاید؛ از زبان شاپور میگوید:

چو من نقش قلم را درکشم رنگ      کشد مانی قلم در نقش ارژنگ  
بجنبد نقش کو را من کنم سر      بپرد مرغ کو را من دهم پر  
(نظامی: ۱۵۰)

**شخصیت پردازی:** شخصیت‌های داستانی در هر دو منظومه ویس و رامین و خسرو و شیرین از نوع شخصیت‌های واقعی هستند بدان معنا که شامل موجودات و افراد فراطبیعی، خیالی و یا غیرواقعی نیستند.

**متن پیشین:** شیوه شخصیت پردازی فخرالدین اسعد گرگانی در منظومه ویس و رامین به هر دو صورت شیوه مستقیم و غیرمستقیم است بعنوان نمونه گاه به صورت مستقیم اوصاف شخصیت را مورد توجه قرار میدهد:

سر نامه به نام ویس بتروی      مه سوسن برو مهر سمنبوی  
(فخرالدین اسعدگرگانی: ۲۹۸)

و گاه این توصیف غیرمستقیم است:

نویسند این دبیران تا به محشر      امید و آرزوی من به دلبر  
مرا خود با فراقت خواب ناید      و گر آید خیالت درریاید  
چنان گشتم در این هجران که دشمن      ببخشاید همی چون دوست بر من  
(همان: ۲۶۱)

**متن حاضر:** نظامی نیز در منظومه خسرو و شیرین از هر دو شیوه توصیف شخصیت بشیوه مستقیم و غیرمستقیم بهره گرفته است. نظامی در آغاز داستان دیدن تصویر خسرو که توسط شاپور نقاشی شده است، حالات و اوصاف شیرین را چنین بتصویر میکشد:

بیاوردند صورت پیش دلبنده      بدان صورت فرو شد ساعتی چند  
نه دل میداد از او دل برگرفتن      نه می‌شایستش اندر برگرفتن  
(نظامی، ۳۴)

در توصیف اندوه و زاری شیرین از زبان وی:

شبا امشب جوانمردی بیاموز      مرا یا زودکش یا زود شو روز  
من آن شمعم که در شب‌زنده‌داری      همه شب میکنم چون شمع زاری

چو شمع از بهر آن سوزم بر آتش که باشد شمع وقت سوختن خوش  
(نظامی، ۱۹۶)

### نتیجه‌گیری

ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی یکی از خاستگاه‌های منظومه‌های غنایی پس از آن بویژه خسرو و شیرین نظامی است. بررسی و مطالعه روابط بینامتنی در منظومه غنایی خسرو و شیرین نظامی به شکل مقایسه‌ای، الگوی رابطه بینامتنی را در این منظومه پیش چشم ترسیم مینماید یکی از نتایج این مطالعه و مقایسه آن است که ویس و رامین فخرالدین اسعد گرگانی در منظومه خسرو و شیرین بلحاظ ساختاری و درونمایه‌ای حضور چشمگیر دارد. این شیوه از تأثیرپذیری که در تقسیم‌بندی و روابط بینامتنی ژرار ژنت، بینامتنیت ضمنی نامیده میشود بشیوه‌ای غیرمستقیم انعکاسی از ویس و رامین را در خسرو و شیرین نظامی در قالب درونمایه‌های ضمنی مشترک بتصویر میکشد. بیشترین تأثیر از ویس و رامین در خسرو و شیرین نظامی را میتوان در مؤلفه‌ها و گزاره‌هایی چون وجود رقیب سختی در زندگی ویس و شیرین، خوابهای دروغین، کنشگری زنان داستان، نامه‌نگاری بین عاشق و معشوق، آزمون رامین و خسرو، نقش منفی دایه، گریز به بنمایه‌های حماسی، نحوه شخصیت‌پردازی و زاویه دید مورد استفاده توسط فخرالدین اسعدگرگانی و نظامی مطرح نمود.

### مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بردسیر استخراج شده است. آقای دکتر هوشمند اسفندیارپور راهنمایی این رساله را بر عهده داشته‌اند و طراح اصلی این مطالعه و نویسنده مسئول بوده‌اند. سرکار خانم دکتر مریم شایگان بعنوان مشاور و سرکار خانم نوشین بهرامی احمدی دانشجوی دوره دکتری پژوهشگران این رساله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر میباشد.

### تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از سردبیر محترم، مدیر مسئول گرامی و همکاران فرهیخته نشریه سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) نیز کارکنان گروه محترم زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بردسیر اعلام نمایند.

### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

## REFERENCES

- Ahmadi. Babak (2001). From visual cues to text. second edition. Tehran: Nashr al-Karzan, p. 327.
- \_\_\_\_\_ (2007). Text structure and interpretation. Tehran: Markaz, p. 225.
- Brotherhood. Ahmad (1992). Story grammar. Isfahan: Farda, p. 233.
- Alan. Graham (2006). intertextuality Translation: Payam Yazdanjo. Third edition. Central Tehran. P. 58.
- Taghizadeh. Hidayatullah (2022). "Investigation of intertextual relations in Majnoon Laili Ahmed Shoghi and Laili and Majnoun Abolfaraj Esfahani". Sistan and Baluchistan University research paper on lyrical literature. Year 20. Number 28. pp. 61-90.
- Chandler. Daniel (2008). Basics of semiotics. Translation: Mehdi Parsa. second edition. Tehran: Surah Mehr, pp. 296 - -. 284.
- Hassanzade Yenri. Mohammad Hassan and Khairandish. Golsa (1400). "Intertextuality in Attar Nishabouri's Masnavis with Hadeegh Sana'i". Literary textual research. Volume 25. Number 90, pp. 113-134.
- Dahrami. Mehdi (2017). "Investigating the structure and content of Astanasarai in Persian systems until the 6th century". Research paper on lyrical literature of Sistan University. 16th year No. 31. pp. 66-47.
- Sassanid. Farhad (2005). "The effect of intertextual relationships on text reading. Journal of Language and Linguistics". First period. Number 2. pp. 39-55.
- Salimi. Ibrahim and Ghasemi. Niko (2018). "An intertextual analysis of the seven valleys of love of Attar's Logic al-Tayr in The Bust Man and His Passenger by Andre Shadir". The research of contemporary world literature. 24 (2). pp. 431-411.
- Shafii Kodkani. Mohammad Reza (2016). This is alchemy of being: about Hafez. Volume 1. Tehran: Sokhon Publishing, pp. 200-204.
- Safavid. Koresh (1997). Intertextual relations: [in] Persian Literary Dictionary. Persian literary encyclopedia 2. Tehran: Sokhn, p. 1276.
- Kristeva. Julia (2002). Speech, conversation, novel. Translation: Payam Yazdanjo. Tehran: Markaz, p. 15.
- Kazari. Mirjalaluddin and Khosravi Iqbal. Ramin (2016). Intertextual reading of Taghdisi stories and Masnavi Manavi based on Genet's theory of transtextuality. Two quarterly journals of Persian language and literature. 25 (8). pp. 112-95.

- Gorgani. Fakhruddin Asad (2002). Weiss and Ramin. Correction: Khalil Khatib-Rehbar. Tehran: Sadaye Maser.
- Monsoon. Farzaneh and Safai. Ali (2021). "Intertextual analysis of the novel Kabus Mahan by Majid Shafiei". Scientific Journal of Persian Poetry and Prose Stylology (Bahar Adeb). Period 14. Series 67. pp. 69-85.
- Namurtalaq Bahman (2007). "Transtextuality: the study of text relationships with other texts". Quarterly Journal of Tehran University Humanities Research Journal. Number 56. pp. 83-98-136.
- Namurtalaq Bahman (2011). An introduction to intertextuality: theories and applications. Tehran: Sokhn, pp. 68-97.
- Nizami Ganjavi. Elias bin Yusuf (2005). Khosrow and Shirin. Corrected by Vahid Tastgard. Tehran: Negah.

#### فهرست منابع فارسی

- احمدی. بابک (۱۳۸۰). از نشانه‌های تصویری تا متن. چاپ دوم. تهران: نشر مرکز، ص ۳۲۷.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). ساختار و تأویل متن. تهران: مرکز، ص ۲۲۵.
- اخوت. احمد (۱۳۷۱). دستور زبان داستان. اصفهان: فردا، ص ۲۳۳.
- آلن. گراهام (۱۳۸۵). بینامتنیت. ترجمه: پیام یزدانجو. چاپ سوم. تهران: مرکز، ص ۵۸.
- تقی‌زاده. هدایت الله (۱۴۰۱). «بررسی روابط بینامتنی در مجنون لیلی احمد شوقی و لیلی و مجنون ابوالفرج اصفهانی». پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان. سال ۲۰. شماره ۲۸. صص ۶۱ - ۹۰.
- چندلر. دنیل (۱۳۸۷). مبانی نشانه‌شناسی. ترجمه: مهدی پارسا. چاپ دوم. تهران: سوره مهر، صص ۲۹۶ - ۲۸۴.
- حسن زاده یزنی. محمد حسن و خیراندیش. گلسا (۱۴۰۰). «بینامتنیت در مثنویهای عطار نیشابوری با حدیقه سنایی». متن پژوهی ادبی. دوره ۲۵. شماره ۹۰. صص ۱۱۳ - ۱۳۴.
- دهرامی. مهدی (۱۳۹۷). «بررسی ساختار و محتوای آستانه‌سرایی در منظومه‌های فارسی تا قرن ششم». پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان. سال شانزدهم. شماره ۳۱. صص ۴۷ - ۶۶.
- ساسانی. فرهاد (۱۳۸۴). «تأثیر روابط بینامتنی در خوانش متن. مجله زبان و زبانشناسی». دوره اول. شماره ۲. صص ۳۹ - ۵۵.
- سلیمی. ابراهیم و قاسمی. نیکو (۱۳۹۸). «بررسی بینامتنی هفت وادی عشق منطق‌الطیر عطار در مرد نیم تنه و مسافرش از آندره شدید». پژوهش ادبیات معاصر جهان. ۲۴ (۲). صص ۴۱۱ - ۴۳۱.
- شفیعی کدکنی. محمدرضا (۱۳۹۶). این کیمیای هستی: درباره حافظ. جلد ۱. تهران: نشر سخن، صص ۲۰۰ - ۲۰۴.

صفوی. کورش (۱۳۷۶). مناسبات بینامتنی: [در] فرهنگنامه ادبی فارسی. دانشنامه ادبی فارسی ۲. تهران: سخن، ص ۱۲۷۶.

کریستوا، ژولیا (۱۳۸۱). کلام، مکالمه، رمان. ترجمه: پیام یزدانجو. تهران: مرکز، ص ۱۵.  
کزاری. میرجلال‌الدین و خسروی اقبال. رامین (۱۳۹۶). خوانش بینامتنی حکایتهای طاق‌دیسی و مثنوی معنوی بر مبنای نظریه ترامتنیت ژنت. دو فصلنامه زبان و ادبیات فارسی. ۲۵ (۸). صص ۹۵ - ۱۱۲.

گرگانی. فخرالدین اسعد (۱۳۸۱). ویس و رامین. تصحیح: خلیل خطیب‌رهبر. تهران: صدای معاصر.  
مونسان. فرزانه و صفایی. علی (۱۴۰۰). «بررسی بینامتنی رمان نوجوان کابوس ماهان نوشته مجید شفیعی». نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). دوره ۱۴. پیاپی ۶۷. صص ۶۹ - ۸۵.  
نامورمطلق. بهمن (۱۳۸۶). «ترامتنیت: مطالعه روابط متن با دیگر متنها». فصلنامه پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه تهران. شماره ۵۶. صص ۸۳ - ۹۸ - ۱۳۶.

نامورمطلق. بهمن (۱۳۹۰). درآمدی بر بینامتنیت: نظریه‌ها و کاربردها. تهران: سخن، ص ۶۸ - ۹۷.  
نظامی گنجوی. الیاس بن یوسف (۱۳۸۴). خسرو و شیرین. تصحیح وحید دستگردی. تهران: نگاه.

#### منابع لاتین

Genette. Gerard (1997). **Palimpsests, Literature in second degree**. chana New man andlkhfu ghjdk Chang Claude doubling sky (trans) university of Nebraska Press. Lincoln NE and London.

#### معرفی نویسندگان

نوشین بهرامی احمدی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بردسیر، دانشگاه آزاد اسلامی، بردسیر، ایران.

(Email: [nooshinbahrami2557@gmail.com](mailto:nooshinbahrami2557@gmail.com))

(ORCID: 0000-0002-6750-4380)

هوشمند اسفندیارپور: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بردسیر، دانشگاه آزاد اسلامی، بردسیر، ایران.

(Email: [esfandiarpour@bardsiriau.ac.ir](mailto:esfandiarpour@bardsiriau.ac.ir): نویسنده مسئول)

(ORCID: 0009-0005-2393-2235)

مریم شایگان: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

(Email: [maryamshayegan46@yahoo.com](mailto:maryamshayegan46@yahoo.com))

(ORCID: 0009-0003-7012-8050)

#### COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

#### Introducing the authors

**Nooshin Bahrami Ahmadi:** Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Bardsir Branch, Islamic Azad University, Bardsir, Iran.

(Email: [nooshinbahrami2557@gmail.com](mailto:nooshinbahrami2557@gmail.com))

(ORCID: [0000-0002-6750-4380](https://orcid.org/0000-0002-6750-4380))

**Houshmand Esfandiarpour:** Assistant Professor of Persian Language and Literature Department, Bardsir Branch, Islamic Azad University, Bardsir, Iran.

(Email: [esfandiarpour@bardsiriau.ac.ir](mailto:esfandiarpour@bardsiriau.ac.ir): Responsible author)

(ORCID: [0009-0005-2393-2235](https://orcid.org/0009-0005-2393-2235))

**Maryam Shaygan:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Persian Literature and Humanities, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

(Email: [maryamshayegan46@yahoo.com](mailto:maryamshayegan46@yahoo.com))

(ORCID: [0009-0003-7012-8050](https://orcid.org/0009-0003-7012-8050))